



## محله‌های ایرانی و ارتباط‌های اجتماعی بین مردم "مطالعه موردی دو محله کیانپارس و کمپلو در شهر اهواز"

مرضیه الزهرا نصیر پور<sup>۱</sup>، معصومه اقتداری<sup>۲\*</sup>

۱- استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته شهرسازی گرایش طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

[benyamin\\_1390@yahoo.com](mailto:benyamin_1390@yahoo.com)

### چکیده

با تحولات سریع دوران معاصر و ورود به مرحله گذار، تغییر زیربنای معیشتی و روابط اجتماعی، این فعالیت‌ها را در هم ریخت و به مرور این نقش از مردم برداشته شد. ساکنان محلات از هویت خاص محله خود تهی شدند. در چنین وضعیتی شهروندان خود را منفعل و جدا از محله و شهر احساس می‌کردند و مسایل شهر در غیبت شهروندان اداره می‌شد. روند تفکیک شهروندان از بدنه مدیریت شهری و دور شدن آنها از کانونهای تصمیم‌گیری در مورد مسایل شهر ادامه یافت تا زنگ هشدار به منظور افزایش مشارکت شهروندان در مسایل مربوط به کلانشهرهای بزرگ دنیا به صدا درآمد. در این مقاله بر توجه به طراحی شهری به عنوان راهی در راستای افزایش تعاملات اجتماعی تاکید شده است. به همین منظور بافت فیزیکی محلات قدیم و جدید اهواز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به شناسایی عواملی که مسبب افزایش میزان و دامنه روابط اجتماعی در محلات قدیمی و کاهش چشمگیر میزان روابط در محلات جدید رخ داده پرداخته است. این مقاله در نهایت تلاش می‌کند تا نمودهای فیزیکی و کالبدی تاثیرگذار بر میزان روابط در محلات را شناسایی و راهکارهایی جهت افزایش تعاملات اجتماعی بوسیله تغییرات کالبدی ارائه نماید.

**واژه‌های کلیدی:** محله قدیمی، تعامل اجتماعی، بافت شهری، شهروند.



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



### ۱- مقدمه

محلات قدیمی اغلب بر اساس روابط اجتماعی بین ساکنین شکل گرفته‌اند. بافت کالبدی خاص این محلات، مالکیت مسکن و انتقال نسل به نسل آن در محلات قدیمی، مانند سکنی گزینی فرزندان در کنار والدین پس از تشکیل خانواده، سبب می‌شد افراد یک محله برای سالیان متمادی با یکدیگر در ارتباط بوده، شناخت عمیقی نسبت به سایرین پیدا کنند. به این ترتیب حس تعلق نسبت به محله سبب گسترش دامنه روابط اجتماعی بین افراد می‌شد. پایداری اجتماعی، امنیت ساکنان، محرمیت، تعاملات اجتماعی، حس تعلق و هویت، حمایت اجتماعی و ... از نتایج این نوع زندگی در بافت‌های سنتی بودند. اما شیوه زندگی امروزی کاهش شدید تعاملات اجتماعی در محلات را ایجاب می‌کند که به انزوای افراد حتی در مواقع اضطراری منجر گشته است. بررسی محلات قدیم و جدید و نوع روابط اجتماعی حاکم بر آن‌ها نشان دهنده تاثیر متقابل کالبد و بافت اجتماعی بر یکدیگر است.

از گذشته‌های دور محله‌های شهرها در شکل‌دهی و سازماندهی امور شهری جایگاه ویژه داشته‌اند. اهالی محله در گذشته جهت مدیریت، آبادانی (تعیین میراب)، پاکسازی و ایجاد امنیت (نگهبان محله) مشارکت می‌کردند و در تمام مسایل مربوط به محله، نقش شهروندان حایز اهمیت بود

انسان‌ها در سراسیمگی شهرهای امروز به دنبال عرصه‌هایی با هویت ویژه هستند تا علاوه بر تامین آسایش و تعامل با هموعان، دربستر پویایی اجتماعی به کمالی متعالی خود نایل شوند رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس جدیدی از رشد شهری در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های تازه‌ای چون افزایش نابهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ شدن تعلق اجتماعی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه شود (عبداللهی، ۱۳۸۹، ۸۳).

از این نظر استفاده و تخصیص فضاهای عمومی مسئله‌ای است که باید در مطالعات زندگی روزانه کسانی که در شهرها زندگی می‌کنند مورد بررسی قرار گیرد. در دیدگاه صاحب نظران، فضاهای عمومی به عنوان مکان‌هایی باز و قابل دسترس تعریف می‌شود. بدین فاصله که محله پس از خانه مکانی است که فرد بیشترین برخورد و رفت و آمد را در سطح آن دارد. فضاهای عمومی عنصر مهمی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در میان ساکنان آن است.

از آنجا که در گذشته محلات نقش گسترده و عمده‌ای در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی ایفا می‌کردند لذا با خلق مجموعه‌ای متمرکز از عملکردهای خدمات شهری همساز و یا مکمل یکدیگر می‌توان به وسیله جذابیت‌های عرصه جمعی آن، مردم را به سمت فضا سوق داد در این صورت با مشارکت شهروندان در امور مربوط به خودشان در نهایت تصمیم‌گیری‌های محله به خود آن‌ها واگذار شده تا همراه با تقویت کنش و تعاملات اجتماعی، احساس تعلق بیشتری به محله خود پیدا کنند.

### ۲- فاکتورهای مؤثر بر تعاملات اجتماعی

افراد بر اساس منافع خود ارتباطات اجتماعی را شکل داده و بر اساس توقعات، هنجارها و نقش‌های معین خود به آن می‌پردازند. بنابراین نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جست و جوی مکان‌هایی که در آن افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند بشناسند.

اما با آن‌که همگن بودن افراد مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکان‌های فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دلبستگی به آن مکان است، در عین حال مکان‌های اجتماعی غیر همگن نیز فرصتی است تا افراد با هم بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند.

در واقع فضاهای عمومی با دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه در مرحله نخست این فرصت برابر را جهت ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی (شکونده و نا پایدار) در اختیار کلیه شهروندان قرار می‌دهند. در مرحله بعد، پس از انعقاد اولیه تعامل اجتماعی،



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که پدیدآورنده الگوهای رفتاری متنوع است، خود زمینه ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند شد (قنبران، ۱۷، ۲۰۰۴).

مسعودی (۱۳۸۷) حوزه عمومی را فضایی می‌داند که در آن فرد به بیان خویش در ارتباط با دیگری می‌پردازد او ویژگی این حوزه را جمع شدن اشخاص خصوصی گردهم رغبت در مورد علایق عمومی دانسته، لذا این پدیده اجتماعی بایستی در دسترس تمام شهروندان باشد.

Gehl (۲۰۰۳) به ابعاد انسانی فضاهای عمومی توجه کرده و آن را عامل حضور مشتاقانه مردم و مشارکت آنان می‌داند. لنارد (۱۹۸۴) دو عامل کالبد و پیش بینی و خلق رویدادهای اجتماعی افراد می‌داند که در ارتقاء حس تعلق به مکان نیز مؤثر است. دانشپور به شناخت فضا و ابعاد مختلف فضای عمومی پرداخته، بهره‌گیری از توان‌های اجتماعی آن و ارتقاء فرصت‌های مشارکت در حیات جمعی را در خلق یک فضای عمومی موفق مؤثر می‌داند. کیفیات کالبدی یک فضای عمومی را مدیون وجود عناصر طبیعی دانسته که منجر به افزایش هیجان و سرزندگی محیط، امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر برای مردم می‌شود. عوامل تأثیرگذار در ارتقا جنبه‌های کالبدی فضاهای عمومی را یادمان‌ها، پله‌ها، اب نماها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل می‌داند.

پاکزاد (۱۳۸۴) تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد، تناسبات، انعطاف‌پذیری، فرم، هندسه، مصالح، محصوریت، بدنه‌ها، پیوستگی کالبدی و فضایی را برادرارک انسان مؤثر می‌داند. که نمادی است که برنامه ریزی برای فضاهای عمومی را مورد تحقیق قرار می‌دهد، فرصت‌ها pps کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تأمل بیشتر در فضا، فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل ایستگاه اتوبوس، زمین بازی، مکان غذا خوردن... ورودی‌های دعوت کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی، پیش بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبا شناسانه آن، راه‌ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم به درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی، کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده، تعریف بدنه‌ها و هویت جداره‌ها، ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری پیش بینی فعالیت‌های جاذب را از عوامل مؤثر در پاسخگویی فضاهای عمومی به نحو مطلوبی دارند.

تامین نیاز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است و فضاهای عمومی شهری بیشترین ظرفیت را در این رابطه دارند. جو آرام، وجود عوامل طبیعی، حریم فضا و کنترل وسایل نقلیه از آنجا که تامین کننده نیاز انسان به استراحت داشتن می‌باشد مؤثرند. نیاز انسان مبتنی بر تماس مستقیم با محیط بیانگر تجربه مستقیم فضا، مردم و فعالیت‌های اجتماعی چون تعامل با آشنایان، گردهمایی، قدم زدن، بازی، تفریح و در کنار آن ورزش، فعالیت‌های جسمی، امکان رقابت و... می‌باشد که در ایجاد تصویر ذهنی مطلوب افراد از فضا، پویایی و هیجان، کسب تجارب جدید و آموزش محیطی نقش مستقیم دارد.

از دیگر نیازها فراهم بودن امکان مشاهده و نظارت دیگران و اتفاقات، رویدادهای پیرامون که یکی از عوامل تعیین کننده در میزان پاسخگو بودن فضا است. در کنار آن نیاز انسان به پیچیدگی و امکان کشف فضا می‌تواند توسط خلق فضاها و منظرهای متنوع، فعالیت‌های گوناگون با هدف تأمین تنوع، جاذب و تجارب گوناگون و ایجاد حرکت در بازدیدکنندگان از فضا به وجود آید. نیاز به امنیت با عواملی چون رؤیت پذیری فضا و امکان ادراک محیط، ایجاد تصور از مکان و ارزش‌های زیبایی شناسه مکان و نهایتاً کنترل مکان با استفاده از اشکال مختلف مکانیکی و طبیعی قابل تأمل است.

"آموس را پاپورت" از برجسته‌ترین نظریه پردازان علوم رفتاری است که به مسایل شهری توجه نشان داده است. او با طبع موضوع کنش متقابل انسان و محیط به نفی موقعیت انفعالی انسان در فضای شهری پرداخته و حرکت در محیط را مهم ترین عامل شناخت محیط و منشأ طرح ذهنی می‌داند.

"جان لنگ" نیز به بررسی نقش علوم رفتاری در طراحی محیط پرداخته است. او در اثر خود تحت عنوان آفرینش نظریه معماری به چگونگی دریافت آدمی از فضا و عوامل محیطی را تأثیر گذار به این امر پرداخته و تصورات مردم از محیط را در واقع نوعی طرح واره ذهنی می‌داند که به رفتارها و فعالیت‌های او در عرصه عمومی شهر شکل می‌بخشد.



"لنگ" در کتاب آفرینش های نظری می گوید که اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند در هر محیطی زمینه آن را فراهم می کنند.

رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوند جویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است که دلیل بر مطلوب بودن تعادل اجتماعی است. لذا هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت های مردم، با به وجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری به رشد فردی انسان کمک می کنند.

"کریستوفر الکساندر" ملاقات گاه به گاه و غیر رسمی را زمینه توسعه دوستی ها و روابط روزمره مردم دانسته است. تعامل اجتماعی، نگرش افراد را با پیشینه ذهنی و ویژگی های متفاوت به یکدیگر نزدیک می کند

### ۳- اجتماعات محله ای و توسعه پایدار

از زمانی که کلارنس پری نظریه واحد همسایگی خود را مطرح نمود صاحب نظران بسیاری ( معرفی صاحب نظران) بر استفاده از الگوی محله \_ مبنا در توسعه شهری تاکید داشته اند. پس از مطرح شدن بحث توسعه پایدار در مجامع بین المللی نیز بسیاری از نظریه پردازان توسعه محله ای به عنوان راهکاری برای ارتقاء پایداری شهری مطرح نمودن. در بسیاری از نظریه های جدید تکه کردن شهر به محل های کوچک و متمایز درون شهر یا در حاشیه آن به عنوان شکل متناسب و مطابق با محیط زیست تلفی شده است (مدنی پور، ۱۳۸۹: ۱۸۸). با نگاهی به مرجع گوناگون و گذاری بر معیارهای ارائه شده در توسعه پایدار محله ای می توان دریافت که محله پایدار در صدد متناسب ساختن ساختار کالبدی با نیازهای امروزی ساکنان و رویکردی دوباره به بازه های اجتماعی از دست رفته از دوره های پیشین است (سعد زرابادی و خزاعی، ۱۳۸۶: ۴۶). در راستای نیل به چنین اهدافی، توسعه پایدار الگوی کالبدی فضای از محله ارائه می دهد که دارای ویژگی هایی چون آنچه در ادامه می آید باشد:

- ✓ تائید بر آلگوی فشرده در توسعه محلات
- ✓ ترکیب و اختلاط کاربری ها
- ✓ استفاده کاراتر از زمین
- ✓ استفاده جدید از بناهای قدیمی در محلات (به روز کردن بناها قدیمی)
- ✓ گسترده فضاهای سبز محله ای
- ✓ ایجاد مراکز چند منظوره و ساختمان های اداری با تراکم متوسط
- ✓ غابر مداری و اولویت بخشی بر حرکت پیاده و دور چرخه در محلات (سعد زرابادی و خزاعی، ۱۳۸۶: ۴۵)

واحدهای محله ای به خاطر اندازه و جمعیت کم خود موجب مشارکت موثر مردم در شکل دادن به منطقه آنها می شود و این امر استقلال محلی را ارتقاء می بخشد. بعلاوه مراکز محله ای باعث ایجاد حس مکان و مرکزیت می شود (برندفری، ۱۳۸۷: ۶۰). بسیاری از راهکارهایی که در طراحی چنین محلاتی پیش بینی می گردند به دلیل ارتقاء کیفیت فضاهای شهری جهت حضور و تعامل گروه های مختلف اجتماعی در محله است. دستور العمل هایی چون تعیین یک فضای مرکزی با کاربری مختلط، آرام سازی ترافیک در داخل محله تشویق به پیاده روی، استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و ... از این دست می باشد. توسعه پایدار با چنین روش هایی در پی دستیابی به محیطی است که ساختار اجتماعی منسجم و پایداری در مرحله بوجود آورد.



## ۴- مفهوم شهروندی و تأمل اجتماعی

"ژان ژاک روسو" می گوید « این خانه ها نیستند که شهر را می سازند بلکه شهروندان هستند». اگر بخواهیم معنای دقیقی از شهروند ارائه شود باید رابطه شهر و شهروند را در زمان و مکان بررسی کرده و این رابطه، در طول زمان و در مکان های مختلف، دچار چنان دگرگونی های مفهومی شده که بررسی آن، مقوله ای مجزا است که از محدوده این نوشتار بیرون است. مثلاً "پریکلز یونانی" معتقد است: برای آنکه فردی بتواند شهروند باشد باید فعالانه به مسائل شهر خود بپردازد. اما این مفهوم در طول زمان تغییر یافته تا جایی که در دنیای مدرن در بسیاری از شهرهای دنیا، شهروند به عنوان یک مصرف کننده مطرح است تا به عنوان یک مشارکت کننده در مسائل شهرش، لذا، آن چه ارسطو به هنر شهروند بودن تعبیر کرده ( و ما امروز آن مفهوم را از دست داده ایم) بحثی اساسی در زندگی شهری است که می توان احیا و کاربردی شود. امروزه محققین شهرسازی، وقتی مفهوم شهروندی را طرح می کنند، تأکیدشان بر آنست که شهروند نباید تنها نقش مصرف کننده داشته باشد بلکه باید بتواند در متن شهر قرار گیرد و لذا باید احساس همبستگی با شهر در افراد ایجاد شود. به عبارتی در شهرهای امروزی شهر، شهروند را بلعیده و بین شهروند و کالبد شهر عدم توازن فاحشی به وجود آمده است تا جایی که رم کولهاس شهر ژنریک و یا شهر عم و شهروند ژنریک را مطرح کرده و از شهر به عنوان ترمینالی برای تغییر مقصد و یا مسافرانی با مبدأ و مقصد نامعلوم یاد می کند. در شهر امروزی از نظر فضای شهروندان حس همبستگی باهم را از دست دادند و شهر نشینی که با آن مواجه هستیم نتیجه ادراک فضایی مدرن و تغییراتی است که مدرنیته، به لحاظ کالبدی و فضایی به همراه آورده است. شهر محصول تمدن است و لایه های انسان شناختی و کیهان شناختی هر تمدن، در شهرهای آن تمدن پیدا است. در شهر باستانی، مسئله شکل گیری شهر حول محور امر قدسی بوده است. شهر کهن، تشبیهی از بهشت بود. پس به همان نسبت که بافت شهر باستانی بر مبنای جهان بینی آسمن قرار داشته، شهرهای مدرن نیز نتیجه کارکرد و وجهه مهم مدرنیته یعنی عقل ابزاری و علق انتقادی است.

در شهرهای سنتی ایران با فروپاشی بنیان های سنتی مواجهیم. اما این امر الزاماً نظام مدرن را جایگزین خود نکرده است. در حال حاضر لاقلاً از نظر ابزاری و فن آوری بسوی دنیای مدرن در حرکتیم چرا که از نظر اطلاع رسانی مجبوریم خود را با جهان همراه کنیم (کافه های اینترنتی، وجود کامپیوتر در تمامی سازمانها که خود روابط مدرن را ایجاد می کند) لذا نمی توان در فضای کالبدی مدرن شهروندی داشته باشیم بدون مسئولیت کالبدی مدرن چرا که مدرنیته با خود نوعی احساس مسئولیت به همراه دارد. آیا اخلاق شهروندی که در اهواز داریم به این مسئولیت رسیده است؟ برای این امر باید نوعی اخلاق مدنی حاکم شود. شهرهای ما، ارزشهای سنتی را کنار گذاشته اما وارد دنیای مدرن نشده است. در رابطه با دنیای مدرن، رابطه ای تنگاتنگ بین کالبد و عقلانیت باید وجود داشته باشد. یکی از نقاطی که از نظر شهری عقلانیت می تواند در آن رشد کند، دانشگاه خارج می شود، خود شهروندی جدید است، با دید و ذهنیت جدید نسبت به شهر خود، فردی که حقوق خود و مسئولیت های شهری و شهروندی را بهتر می شناسد. فضاهای شهری، با رویکرد فرهنگی نیز، می توان عقلانیت را بسط دهد، آموزش دهد و فراگیر سازد. به عبارتی، طرز تفکری که می اندیشد تصمیم گیری، مدیریت و قانون گذاری در روابط شهروندی باید به صورت عمودی صورت گیرد و مسئولیت تنها بر عهده دولت است باید دگرگون شود. اگر بخواهیم شهروندی امروزی باشیم، باید پذیرفت که، روابط شهروندی، در سطح مردم و شهروندان بسیار مهم است. به عبارتی، هر شهروند برای دیگری حقوقی قائل باشد و اخلاق مدنی در سطح افقی و قانون گذاری مطرح باشد لذا، باید قوه داور شهروندان افزایش یابد، یعنی نقش مصرفی شهروند کاهش و نقش شهروندی افزایش یابد. به عبارتی، مردم بپذیرند اعمالی که انجام می شود، به نفع آنهاست و در آن مشارکت فعال داشته باشند. اهواز شهر بسیار بزرگی است بسیار مشکل است نظم دیکته شده ای را بر آن حاکم کرد ولی اگر در هسته های کوچک شهری در سطح محلات متمرکز شویم آسانتر خواهد بود و هوت بخشی در محلات و حرکت افقی و از پائین، کارآمدتر و نتیجه بخش تر خواهد بود. این امر با ایجاد گفتگو و تعامل اجتماعی بین شهروندان صورت پذیر است. این گفتگو مستلزم ایجاد فضای

گفتگو مثلاً پیاده رو مناسب، پارک، فرهنگسرا، سایت‌های اینترنتی، ارتباط محلی مستقر در مراکز فرهنگی، پارک های علمی-آموزشی، کتابخانه، نمایشگاه‌ها و سالن‌های کنسرت، تئاتر، موسیقی، کافه‌های اینترنتی، فضاهای مذهبی مسجد، تکیه، حسینیه، سقاخانه، جشنواره، مراسم مذهبی، تعزیه، کارناول، سمینار، مجله یا رسانه‌های خبری می‌باشد. فضاهای گفته‌گو ایجاد کننده کثرت گرایی شهروندی است و کثرت گرایی شهروندی یعنی، فضایی که اخلاق مدنی بتواند شکل بگیرد و روابط بین شهروندان به صورت مسئولانه مطرح شود.

## ۵- محله

از زمانهای قدیم، شهرها در شرق و غرب صرف نظر از شباهت های عملکردی، تفاوت‌های اساسی در ساختار و کالبدی خود، خود را به نمایش گذاشته اند. قطعاً در شرق و غرب دیدگاه یکسانی در مورد زندگی جمعی و زندگی خصوصی افراد وجود نداشته است. چنانچه دیده می‌شود، از دوران باستان (یونان و روم)، زندگی عمومی شهروندان، بر زندگی خصوصی آنها در کالبد شهر مقدم است در حالی‌که، کالبد شهر سنتی ایرانی، بر اساس حرمت حریم خانواده‌ها و اهمیت خلوت‌گزینی شکل گرفته است، لذا در این رابطه، آگاهی از چگونگی به کارگیری مفاهیم مورد مطالعه در شهر سازی سنتی ایران ضروری است هر چند هدف تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل دهنده کالبد شهر نیست اما برای رسیدن به نتیجه بررسی اجمالی برخی از اجزاء اصلی تشکیل دهنده ساختار کالبدی شهر سنتی ایران، لازم است.

خانه: خانه واحد اصلی زندگی اجتماعی و در مقیاس شهر کوچکترین جزء آن بوده است.

محله: جوامع محلی یا همسایگی را می‌توان محدوده‌های کوچک‌تر و به عنوان جزئی از جوامع بزرگتر محسوب نمود که، از قدیم الایام، ساختار شهرها را به وجود آورند.

محله، قلمروی یک گروه اجتماعی است که تماس‌های شخصی بسیاری در میان آنها برقرار داشت. همواره، این نکته برای طراحان شهری مطرح است که چگونه قلمروی را که از جانب گروه‌های مختلف خودی تلقی می‌شود، شناخته و آن را مشخص نمایند. بطور کلی عوامل بسیاری، در نحوه استفاده از فضا و احساس نسبت به آن موثر است که بتوان آنها را چنین خلاصه نمود. ارتباط با محیط زیست، ادراک محیط و راحتی روانی، توانایی برقراری روابط اجتماعی و تمثیل به آن، مالکیت، آسایش فیزیکی، امنیت و نظارت اجتماعی و معنی و خوانایی مکان، محله، برای ساکنین آن، فرصتی برای به وجود آوردن برخوردهای غیررسمی و انسجام اجتماعی است. شناسایی و تمیز مکانها و سازمان دهی آنها، در ساختار ذهنی نه تنها به افراد اجازه واکنشی موثر را می‌دهد، بلکه، منبع احساس امنیت، دلپذیری، خوشایندی و درک نیز هست. از سوی دیگر، محله، با مفاهیم سمبلیک و فرهنگی خود نیز تعریف می‌شود. این واحد، هنگامی بهتر شناخته خواهد شد که مرزهای کالبدی آن با مفاهیم سمبلیک ادغام شوند. محلات مسکونی، با حریم مشخص و گاهی کاملاً بسته، از مشخصه‌ها و اجزاء اصلی ساختار شهر سنتی ایران است. محلات، براساس خصوصیات قومی، محلی، مذهبی، صنفی و گاه موقعیت و منزلت اجتماعی شکل می‌گرفتند و انسجام محلات در مواردی، بر هویت مذهبی آنها استوار بود.

مرکز محله: مراکز محلات نقاط کانونی اجتماعی و عمومی ترین عرصه محلی و محل برخورد و تجمع هم محله ای ها محسوب می‌شد. این‌گونه مراکز، عموماً به صورت میدانی، با اشکال هندسی منظم و غیر منظم بوده و بازارچه محل، حمام، مسجد و تکیه، آب انبار وسایر اماکن مذهبی، مدرسه و فضاهای خدمتی در اطراف آن مستقر می‌شد. مرکز محله گاه خطی بود و بخشی از گذر اصلی محله محسوب می‌شد. وجود مزاری مدس نیز در شکل گیری مرکز در محلی خاص بسیا موثر بود. وجود تنوع، عاملی است که، سبب غنای هویت شهر می‌شود. شهرهای امروزی، ترکیبی از خورده فرهنگهای شهری هستند. برای افزایش غنای فرهنگی شهر و افزایش ارتباطات، هر یک از گروه‌های بومی و خرده فرهنگهای شهری، نیاز دارد که، لمروری خاص خود را داشته و شیوه زندگی خویش را دنبال نماید. یک محله خوب، باید توازنی میان خواست ساکنین برای خلوت مورد نیاز



ایشان برای برقراری درجاتی از برخوردها و یاری خواستنها و مشارکت برقرار نماید. توجه به با هم بودن اصلی مهم در شهر سازی است

## ۵-۱- سلسله مراتب و ساختار محله ایرانی

گشت وگذار متخصصین امر در میان کتب جدید و دستاوردهای علمی معمولاً به راه حل هایی می انجامد که خود ما قرن هاست آن را داشته ایم و سازندگان آن بدون داشتن دانش امروزی تنها با وسعت بینش تجربی خود به آن دست یافته اند. سلسله مراتب در شبکه راهها (پازاد ۱۳۸۶: ۷۱)، از جمله راه حل هایی است که در شکل دهی به ساختار شهرها و محلات سنتی کشورمان نقش موثری داشته. به طور کلی راهها به عنوان شریان های حیاتی نقش مهمی را در ساختار محلات سنتی بازی می کنند. این راهها با سلسله مراتبی از فضاهای عمومی با فضاهای خصوصی (خانهها) متصل می شدند. (توسلی، ۱۳۸۱: ۳۴) شیعه (۱۳۸۴)، شبکه دسترسی در بافت سنتی را به راههای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی تقسیم می کن.

شبکه راههای اصلی ارتباط بین بازار (محل داد و ستد) و محلات مسکونی را مسیر ساخته (راه عمومی) و محلات مسکونی در جوار آنها قرار گرفته است. انشعاب بعدی راههای داخلی محله مسکونی را تشکیل می دهد (راه نیمه عمومی). این شبکه ها در داخل بافت های مسکونی نقش ارتباط بین محله ای و گذری دارد. بعد از راههای داخلی در بافت های محله ای، شبکه راه های جرئی تر و کوچکتری وجود دارد که در محلات کوچکتری جریان یافته و در پاره ای از موارد به صورت بن بست می باشد (راه نیمه خصوصی). بالاخره راه به جزء کوچکتری نیز تقسیم می شود و به چند فضای مشترک یا چند واحد مسکونی می رسد (راه خصوصی) (شیعه، ۱۳۸۴: ۲۱۷ و ۲۱۸).

در گذشته هر محله مسکونی ضمن آن که توسط یک راه اصلی خود را به بازار شهر یا امتداد راه اصلی منتهی به بازار وصل می کرد به همان ترتیب خود را از فضای عمومی و پر تحرک آن دور نگه می داشت فضای داخلی هر محله جنبه نیمه عمومی داشت و به گونه ای نسبت به مراکز عمومی شهر قرار می گرفت که کمتر محل تردد افراد بیگانه واقع شود و به این ترتیب فضای نسبتاً آرام و نیمه خصوصی برای استفاده ساکنان خود فراهم می آورد (سلطان زاده ۱۳۶۵: ۲۴۲ و ۲۴۳).

حفاظ داشتن و برخورداری از حجاب سکونتی محله باعث می شود تا مسیرها و فضاهای عمومی و گذرها با خطوط اصلی شبکه ارتباطی شهر و بازار در رابطه مستقیم نباشد و بازار با فضاهای عمومی شهر حتی المقدور راه مستقیمی به مرکز محله نیابند. خانه های مسکونی در سطح خانواده ها حجاب داشته باشند و در عین حال موقیت های مناسبی برای گذران آزاد و بی قید و بند (مستقل از خانه و در پناه گذر عمومی محله) فراهم آورند. در تداوم و بقای سلیقه های محلی و سنت های عقیدتی و حتی فرقه ای نژادی ساکنان، اماکن خاص خدمات عمومی به صورت بهترین موقعت برای تبادل نظرها، ترغیب ها، همدردی ها، تحریک پرورش و تداوم افکار در آیند (فلامکی، ۱۳۷۴، ۱۳۳).

به طور کلی محله در شهر سنتی جزئی از یک کل به هم پیوسته است و در ارتباط با سایر اجزا نقش خود را باز می یابد. شهر سنتی متشکل از مرکز شهر، محلات (یک یا دو مرکز محله) و گذرهایی است که مرکز محلات را به یکدیگر و به مرکز شهر متصل می سازد (سعد زرابادی و خزاعی، ۱۳۸۶: ۴۳). این سلسله فضاهای شهری بستری بوجود می آورند که همه رخدادهای اجتماعی از فعالیت های مذهبی و حرکت های مردمی گرفته تا بازی کودکان و وقت گذرانی سالمندان را در بر می گیرد.

## ۵-۲- تاثیر سلسله مراتب برای پایداری اجتماعی محله در ایران

یکی از مهمترین دلایل حمایت از ساختار محله و مراکز محله‌ای این است که این مراکز، خدمات و تسهیلات لازم را در اختیار افرادی که از تحرک کمتری برخوردار هستند، خصوصاً سالمخوردگان، مادران جوان، بچه‌های کوچک و معلولین قرار دهند. برای این افراد دسترسی در فاصله‌ی پیاده‌روی تا خدمات و تسهیلات محلی امری حیاتی است و همین طور است دسترسی به حمل و نقل عمومی که امکان استفاده از مراکز خدماتی بزرگتر را در جایی دیگر از شهر یا منطقه به آنها می‌دهد (بردنفری، ۱۳۸۷: ۵۸). توسعه پایدار به دنبال ایجاد پایداری اجتماعی از طریق ارتقاء سطح تعاملات و حضور پذیری اجتماعی در سطح محله است. آنچه نقش اساسی در ایجاد توسعه پایدار دارد مشارکت فعال شهروندان و تاثیر گذاری آنها بر تصمیم‌گیری‌های است که محیط اطرافیان‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بیشترین تاثیر این موضوع یعنی حضور شهروندان در برنامه ریزی و مدیریت شهری در مناطق محلی مثل منطقه، ناحیه یا محله مشاهده می‌شود. در چنین مقیاس برنامه ریزی است که شهروندان بیشترین دانش و تجربه را دارند. ساکنان یک محله بیشترین آگاهی از مشکلات پیش‌روی خانواده، دوستان و همسایگان خود دارند (ماتین و شرلی، ۱۳۸۷: ۱۳۳). عوامل متعددی می‌تواند بر ارتقاء سطح مشارکت و حضور پذیری ساکنین محله تاثیر گذار باشد یکی از این عوامل تاثیر گذار فرم کالبدی فضایی از طریق ارتقاء کمی و کیفی فضاهای عمومی می‌تواند بستر مناسبی برای برقراری تعاملات و از آن طریق ارتقاء پایداری اجتماعی در سطح محله بوجود آورد.

سلسله مراتب یکی از اصول ساختاری محلات سنتی کشورمان می‌باشد که ارتباط تنگاتنگی با ساختار اجتماعی محله و به طور کلی شهر ایرانی دارد. در ساختار محلات سنتی ارتباط هر یک یا چند واحد مسکونی به وسیله یک بن بست خصوصی و یا فضای نیمه خصوصی ای که همان کوچه است برقرار می‌شود. با گذر از بن بست به کوچه در واقع روابط اجتماعی افراد از حد یک خانواده‌ی گسترده یا چند خانواده ساده موجود در بن بست به تعداد بیشتری افزایش می‌یافت و با عبور از کوچه‌ها و گذرها و رسیدن به راسته‌های اصلی و میدان‌چه‌ها برخورد‌ها و به دنبال آن روابط اجتماعی ساکنین محله باز هم بیشتر می‌شد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۵). بنابراین ساختار شهری برگرفته از سلسله مراتب فضایی بستری فراهم می‌آورد تا گروه‌های مختلف اجتماعی امکان حضور، فعالیت و تعامل اجتماعی را در سطح محله بیابند و هر یک به فراخور نیازهای اجتماعی خود، فضای متناسب با نوع تعاملات مورد انتظار از وی را در اختیار داشته باشد. به عنوان مثال کودکی که از خانه به عنوان یک فضای امن خصوصی وارد فضای عمومی می‌شود، می‌تواند در فضای نظارت شده در بن بست یا کوچه به تعامل با هم نوعان خود بپردازد زنان و سالمخوردگان نیز این امکان را داشته باشند که در فضای آرام و دنج کوچه و گذرهای فرعی به تعامل با همسایگان و خویشان با گذران اوقات خود بپردازند و در نهایت فعالیت‌های عمده و کلام ساکنین نظیر رفع مایحتاج روزانه و حضور در فعالیت‌های اجتماعی و آیینی نیز در میدان‌چه‌ها و گذرهای اصلی محل امکان رخداد داشته باشند

## ۵-۳- انس با محله، زمینه اعتماد اجتماعی

رعایت نگاه محله‌گرایانه، این مهم را ثابت می‌کند که هر مرکز فرهنگی به نوعی مدیر وضعیت فرهنگی پیرامون محله شهری خود است. پذیرفته نیست که در زندگی با همسایگی یک مرکز فرهنگی، ناهنجاری‌های بارز فرهنگی و اجتماعی نمود یابد. محله‌گرایی دارای دو مؤلفه انس با محله و تعامل با نهادهای محلی است. در تعریف انس با محله باید گفت که انس با محله به معنای اعتمادسازی ورود به زندگی و روابط اجتماعی یک محله است. از سوی دیگر، این نکته را هم باید اضافه کرد که تعامل با نهادهای محلی به معنای مشارکت‌های مالی یا به دوش کشیدن وظایف سایر نهادها نیست. هر نهاد، کارکرد اجتماعی و فرهنگی و هنری خود را دارد و تعامل نهادهای محلی به معنی بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و منابع مشترک برای مدیریت فرهنگی



یک محله است. امروزه مرز تفکیک بین محلات را خیابان ها تشکیل می دهند، در صورتی که این نوع مرزبندی نه فقط در ریشه، بلکه در سنت محله بندی نیز وجود ندارد.

#### ۵-۴ - نمونه موردی: مقایسه محله کیان پارس و کمپلو

رویکرد ما به شهرسازی سنتی مان دیدگاهی نوستالژیک نیست چراکه، تغییر مداوم انسان و جامعه را تقریباً همه بینش های فلسفی پذیرفته اند، چه از نظر اسلام به عنوان حرکت جوهری، چه از نظر مارکسیست ها به عنوان جبر تاریخی و چه از نظر اومانیست ها به عنوان نسبییت اخلاق، تغییر انسان و جامعه به معنای تغییر ارزشها و هنجارهای اجتماعی است که رفتار و گرایش جامعه و شهر تغییر می دهند. این تغییر، باعث تحویل دائمی شهر شده تا جایی که دیده شود یک شهر، در طول تاریخ خود دچار چنان دگرگونی ارزشی شده که، ارزشها دیر و زود تبدیل به ضد ارزشهای امروز می شود اما، مشکل از زمانی شروع می شود که، تلاش می شود، از طریق کپی کردن یک کالبد با یک سیستم مدیریت موفق، در جامعه خاص و تحقیق آن در جامعه دیگر ارزشهای مورد قبول آن جامعه یا گروههای معینی از جامعه مانند طبقه مرفه یا متوسط را تحقیق بشوید که نتیجتاً با کل جامعه در تضاد قرار می گیرد. پس در اینجا با در نظر داشتن زمان و تغییرات حاصل از آن محله به عنوان یک سوال دو محله اهواز نه تنها از جنبه کالبدی، که به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی بررسی شده است و در نگاهی مقایسه ای تلاش شده جای خالی آنچه را سرعت شهر نشینی و تحولات بی سابقه اخیر بالاچار به همراه آورده پر رنگ کرده و به فضاهای فرهنگی - اجتماعی در مقیاس با رویکردی متفاوت در مشارکت مردم در امور شهر پرداخته شود.

محله سنتی ایران، محله ای بود که بر اساس باورها و اعتقادات مذهبی شکل گرفته بود. محله دارای هسته مرکز تعریف شده که، سلسله مراتب در تمامی جنبه های عملکردی، کالبدی و اجتماعی آن وجود داشت. اصل مذهبی صله ارحام در تعیین محدوده های محلات نقشی اساسی داشت. محلات باید آنچنان می بود که دیدار از دوستان و آشنایان و آگاهی از وضعیت ایشان براحتی مسیر باشد. لذا، فضای انسانی، حاصل توجه به مقیاس انسانی بود و تداوم عرصه ها و بافتها در انسانی تر کردن فضا نقش داشت. مقیاس مطلوب و متناسب محلات، فضایی را به وجود می آورد که فرد به راحتی آن را در مدت زمانی کوتاه طی کرده و محیطی آشنا را هر روز تجربه می نمود، به آن تعلق خاطر می یافت و در حفظ آن و احراز هویت برای محیط سکونت خویش می کوشید، توجه به زندگی عمومی، گرچه هیچ شباهتی به نوع غربی آن نداشت، ولی، بسیار عمیق با رنگ و بوی سنتی با ارزش گذاری به انسان و نیازهای او اعمال می شد. محلات نسبتاً خود کفا بوده و نیازهای معیشتی، مذهبی، بهداشتی، و خدماتی ساکنین خود را رفع می نمودند. و در تلفیق با طبیعت خوبی از امکانات طبیعی منطقه سود می برد. در دهه های اخیر، با تحولات جدید شهرسازی، محلات به لحاظ کالبدی تخریب شده اند و رفته رفته اعتبار و ارزش گذشته خود را از دست داده اند. جریان ها و مسیری که غرب صنعتی سالهاست پیموده است، بسیاری از جوامع به تازگی و با وضعیتی بسیار نامساعدتر تجربه می کنند؛ زیرا از سویی با بحرانهای اقتصادی شدید مواجهند و از سوی دیگر، گسترش وسایل ارتباط جمعی، زمینه های تغییر ارزشها، معیارها و سنت ها را فراهم نموده است. زندگی در شهر اهواز، با شکل فرهنگی موجود، نیازمند بازتعریف مفهوم هویت و اهلیت منطقه ای برای استحکام پیوندهای روحی ساکنین محله های مختلف با محل سکونت خود است و نیز به دلیل گستردگی جغرافیایی و فرهنگی موجود و عدم هماهنگی و توسعه تاریخی مناطق گوناگون، برنامه ریزی فرهنگی بدون توجه به ویژگیهای محلی امکانپذیر نیست.

سطح درآمد، تحصیلات و حتی شرایط جغرافیایی باعث شده در امکانات تقسیمی ناهمگن و ناعادلانه صورت گیرد. نبود محیط زیست بومی، سبب عدم وجود بافت فرهنگی متناسب با شان هویتی جامعه گردیده که در بحث آسیبهای اجتماعی، جامعه را به شدت تحت الشعاع قرار میدهد، لذا محله گرایی به عنوان شعار محوری متولیان فرهنگ شهری میتواند در تغییر شرایط فرهنگی شهر به زیستگاهی فرهنگی، مؤثر باشد.



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



لایه مدرن شهروند اهواز (کیان پارس)، لایه ای که از مدرنیته برداشت کرده، تمام روابط شهری این محله را تعیین می نماید. در مقابل، محله کمپلو، لایه ایمانی و سنتی اهواز است؛ محله ای که در مقایسه با کیانپارس، به نسبت بیشتر و ملموس تری به انگاره های سنت و مذهب، پایبند است و این پایبندی در ظاهر این محله و تعاملات ساکنینش مشهود و ملموس است. اما کیان پارس، در واقع لایه تخیلی شهروندان اهوازی به شمار می رود. کیان پارس، هم اکنون گرفتار دنیای مدرن است و نمی داند با این مدرنیته چه کند. یعنی، مدرنیته در گلوی محله ما گیر کرده! در حقیقت، محله کیان پارس، نتوانسته است بین سنت و مدرنیته، تعادل لازم را برقرار کند. از سوی دیگر، در محله کمپلو نیز، رگه هایی از پیدایش تعادل بین سنت و مدرنیته مشاهده می شود.

یکی از اصولی که در ساختار فضایی - کالبدی محلات سنتی تجلی دارد اصل سلسله مراتب می باشد. ساختار نشات گرفته از اصل سلسله مراتب نظام اجتماعی ویژه ای را در محله سنتی حاکم می کند و نحوه تعاملات شهروندی را تعریف می کند. اما شیوه زندگی امروزی کاهش شدید تعاملات اجتماعی در محلات را ایجاد می کند که به انزوای افراد حتی در مواقع اضطراری منجر گشته است. بررسی محلات کمپلو و کیان پارس و نوع روابط اجتماعی حاکم بر آنها نشان دهنده تاثیر متقابل کالبد و بافت اجتماعی محلات قدیمی (کمپلو) اغلب بر اساس روابط اجتماعی بین ساکنین شکل گرفته اند. بافت کالبدی خاص این محله، مالکیت مسکن و انتقال نسل به نسل آن، مانند سکنی گزینی فرزندان در کنار والدین پس از تشکیل خانواده، سبب می شود افراد این محله برای سالیان متمادی با یکدیگر در ارتباط بوده، شناخت عمیقی نسبت به سایرین پیدا کنند. به این ترتیب حس تعلق نسبت به محله سبب گسترش دامنه روابط اجتماعی بین افراد می شود. پایداری اجتماعی، امنیت ساکنان، حریمیت، تعاملات اجتماعی، حس تعلق و هویت، حمایت اجتماعی و ... از نتایج این نوع زندگی در کمپلو بر یکدیگر است. در کیان پارس با آنکه سطح زندگی و میزان مصرف از دیگر نقاط بالاتر است؛ به سبب رشد روحیه فردی و نبودن احساس وابستگی به محل و نبود ارتباط و دوستی با همسایگان، هم محلی ها، هم شهری ها و نبود نظارت بر جامعه، به سبب بی نام و نشان بودن شهروندان و سست بودن عقاید مذهبی، ناراحتی های روحی و روانی و جرایم افزایش یافته و بسیاری از انحرافات شیوع و بروز کرده است. برای حال و آینده محله، گفتن این مساله مهم است که محله سنتی از تجمع اتفاقی و بی ضابطه افراد شکل نگرفته است.

اعضای یک محله یکپارچه اند و در ریشه ها، هویت، خاطرات و علایق، بعضا مشترک بوده اند، اما در چنین قرنی با چنین پیشینه ای، محله محوری به کم رنگی رابطه ها انجامیده است. شاید فروپاشی نظام سنتی، شرایط جدید و تغییرات اقتصادی و اجتماعی پرشتاب و سهل انگارانه، شالوده محله را به تزلزل و بی هویتی سوق داده است.

لذا می توان رابطه سالمی میان سنت و مدرنیته ایجاد کرد و هیچگاه نباید یکی را به نفع دیگری از بین برد. تا آنجا که، سنت می تواند وارد گفتگوی با مدرنیسم شود حفظ می شود. مدرنیته هم که نتواند با فضای سنتی جامعه و شهر ارتباط مناسب پیدا کند همواره با مشکل روبرو است.

در محله کیانپارس، با وجود ادعای این محله به داشتن فرهنگ، رفتارهای متعددی که نمایانگر فقر فرهنگی است به چشم میخورد. در حقیقت، این محله به دلیل نداشتن یک هویت اصیل بومی، به سمت فقر فرهنگی پیش رفته است.

اگر با نگاهی ریزبینانه و روانشناختی مقوله «انس با محله» را در دو محله کیانپارس و کم پلو مورد بررسی قرار دهیم باید اذعان کنیم که شهروندان این دو محله، هر دو به نوعی به محله خود انس گرفته اند؛ اما جنس این انس گرفتن متفاوت است. جنس انس گرفتن اهالی کیانپارس با محله خودشان ریشه در تجمل گرایی، عطش برخورداری از یک زندگی لوکس، رفاه طلبی فخرفروشانه و ... دارد اما انسی که اهالی مک پلو به محله خویش دارند به علاقمندی به صمیمت همسایگی، تعامل و ارتباط دوستانه، ساده زیستی، باورهای مذهبی و ... بر می گردد.

نوع نگاه به هویت محله، حتی سبک پوشش ظاهری شهروندان را نیز تحت تاثیر خود قرار می دهد. برای نمونه، نوع نگاه اهالی کیانپارس به هویت محله خود، سبب شده تا سبک پوشش ظاهری به ویژه پوشش بانوان، به سمت پوشش اومانیستی

(بدحجابی و بدپوششی) پیش برود. در مقابل، هویتی که اهالی کم پلو برای محله خویش قائل هستند باعث شده که پوشش بانوان این محله، به پوشش مناسب زن ایرانی نزدیک تر باشد.

در محله کیانپارس، پایین بودن سطح پایبندی به انگاره های اخلاقی و دینی، فردگرایی، خودمحوری، تظاهر، مصرفگرایی، تجملگرایی، تقلید از فرهنگ غربی، پایین بودن سطح تعاملات محله ای، بیگانگی همسایگان با یکدیگر و ... از مصادیق فقر فرهنگی در این محله به شمار می رود. در محله کیانپارس، نوعی بیگانگی میان ساکنان حاکم است که این بیگانگی سر از وادی بی تفاوتی نسبت به سرنوشت همسایه و محله درآورده است؛ این در حالیست که در فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی که نیاز محلات ایرانی است این اعتقاد وجود دارد که «الجار ثم الدار»؛ ابتدا همسایه و سپس خانه! به این معنی که توجه به همسایه و تعامل با او، امری ضروری است. از سوی دیگر، هسته محله کیانپارس، خانواده محور نیست و یکی از فضاهای حاکم بر زندگی این محله، زندگی های مجردی و یا ازدواج های سفید (زندگی زیر یک سقف بدون عقد محرمیت قانونی و ثبت شده) است.

در مقابل، محله کم پلو، محله ایست که هسته آن، خانواده محور است. در این محله، احترام به اصل خانواده محوری بیشتر مشهود است. از سوی دیگر، تعاملات اجتماعی و شهروندی در این محله، نسبت به محله کیانپارس، پررنگ تر است. در بیشتر موارد، همسایه ها از حال یکدیگر باخبرند و در صورت لزوم، به یاری هم می شتابند. این تعاملات به صورت گپ و گفت های روزانه، احوالپرسی، عیادت از بیمار، شرکت در مراسمات مذهبی و دورهمی ها، عیددیدنی و ... به نمایش در می آید.

البته این تعاملات باعث می شود که گاهی برخی از همسایگان به خودشان اجازه دخالت و تجسس در امور همسایگان را بدهند که این یکی از ناهنجاریهای موجود در محله کم پلو است. در این محله، گرایش به باورهای دینی، تظاهر بیشتری دارد در حالی که در محله کیانپارس، تلاش عموم ساکنین بر آن است که با نمایش چهره ای در اصطلاح امروزی و مدرن از خودشان، چهره ای معتقد نشان ندهند.



شکل ۱: نمایی از محله کیانپارس اهواز



شکل ۲: نمایی از محله کمپلو

## ۶- نتایج و نتیجه گیری

نسل شهری امروز در عرصهٔ رویارویی و برخورد با فرآورده‌های تولید خود، ریسمانی بر گردنشان حس می‌کنند که روز به‌روز گلوی آن‌ها را بیشتر می‌فشارد و در آن شهروندان شاهد گونه‌ای تفکر آمیخته با تأسف برای گذشته هستند. امروزه در شهرهای بزرگ کشور با آنکه سطح زندگی و میزان مصرف از دیگر نقاط بالاتر است؛ به‌سبب رشد روحیهٔ فردی و نبودن احساس وابستگی به محل و نبود ارتباط و دوستی با همسایگان، هم‌محلی‌ها، هم‌شهری‌ها و نبودن نظارت بر جامعه، به‌سبب بی‌نام و نشان بودن شهروندان و سست بودن عقاید مذهبی، ناراحتی‌های روحی و روانی و جرایم افزایش‌یافته و بسیاری از انحرافات شیوع و بروز کرده است. شکل‌گیری مبانی ناپایداری اجتماعی در شهرهای کشور را باید در روند رو به رشد شهرنشینی و پیشرفت‌های تکنولوژی شهری دانست که عمدتاً نه‌تنها از درون جامعهٔ شهری، بلکه عمدتاً متأثر از متغیرهای برون‌زا شکل‌گرفته است و مهم‌ترین آنها مهاجرت روستا - شهری و به‌تبع آن حاشیه‌نشینی، جدایی‌گزینی اجتماعی، ناهمگنی جمعیت، توپوگرافی ناهمگن اجتماعی و نارسایی در توزیع امکانات و خدمات شهری است و در پی آن شهروندان با نوعی پس‌افتادگی فرهنگی روبه‌رو شده‌اند که مصداق آن در فرهنگ ترافیک شهری، فرهنگ آپارتمان‌نشینی شهری، فرهنگ مشارکت شهری و... مشاهده می‌شود. از سوی، گسترش سطح و میزان شهرنشینی و گرد آمدن موزاییک‌های فرهنگی در شهر عاملی برای فزونی آسیب‌های اجتماعی و دلهره، هراس و آشفتگی زندگی شهروندان و به خطر انداختن سلامت جامعهٔ شهری شده است. همچنین توجه‌نکردن به نیازمندی گروه‌های مختلف اجتماعی در قالب طبقات سنی و جنسی و نپرداختن به مقولهٔ مهندسی اجتماعی در شهرهای کشور سبب تشدید ناپایداری اجتماعی شده است.

به‌طور کلی، ویژگی اصلی رویکرد شهری را می‌توان بر اساس نظریهٔ تغییر اجتماعی تبیین کرد. این دیدگاه برای ریشه‌یابی آسیب‌های شهری به جای نگاه از بیرون برای یافتن علل بروز آسیب‌ها، بیشتر به درون و ساخت اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعهٔ شهری نگاه می‌کنند. در این‌باره توزیع و تجهیز امکانات و خدمات در سطح شهرها با توجه به نیاز شهروندان مانع عمده‌ای در جلوگیری از تشدید تعارض‌های شهری و در نتیجه فرسایش روابط انسانی در سطح شهرهاست. تعادل‌بخشی به روابط شهر و روستا برای افزایش ضریب ماندگاری جمعیت روستایی و کاهش ضریب بازتوزیع جمعیت می‌تواند عاملی برای وحدانیت اجتماعی - فرهنگی روستا و شهر و سرانجام پایداری اجتماعی آن باشد.



توجه به مقوله تعادل در فضا سازی و عدالت اجتماعی در شهرها و تعدیل نابرابری‌ها و دوگانگی‌های درون‌شهری و میان‌شهری عاملی برای توسعه پایداری اجتماعی در شهرهاست. ریشه‌یابی آسیب‌های اجتماعی و برخورد ساختاری با آن، کشف ریشه‌های جرم نه برخورد با مجرم، و توجه به بحث آموزش و آگاهی خانواده‌ها و اقشار مختلف اجتماعی از آسیب‌ها، عامل کاهش انحرافات و افزایش هم‌بستگی‌های شهری است.

توجه به مقوله مهندسی اجتماعی و نیازهای سنی، جنسی، روحی و روانی، جسمی و ذهنی شهروندان و برنامه‌ریزی اجتماعی همسو با برنامه‌ریزی شهری، افزون بر تحریک دینامیزم شهری و حضور اقشار مختلف جامعه در فضای شهرها و محلات، عامل بالا رفتن میزان رضایتمندی شهروندان از مناسب‌سازی محیط شهرها می‌شود و در نهایت اقدامی است در جهت افزایش پایداری شهری و بالا رفتن تعاملات اجتماعی است.

## ۷- منابع

- ۱ آرون، ریمون، «مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۴.
- ۲ اسلام زاده، وحید، «اندامه‌های یک ساخت اجتماعی»، ۱۳۸۷.
- ۳ پیران، پرویز، «از اسکان غیررسمی تا اسکان نایبی»، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، شماره ۲۳-۲۴، ۱۳۸۷.
- ۴ برک‌پور، ناصر، «گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری»، ماهنامه ی شهرداری‌ها، شماره ۴۹، ۱۳۸۲.
- ۵ حبیب، فرح، «رویکرد پایداری در متن شهرسازی»، نشریه علوم تکنولوژی و محیط زیست، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
- ۶ ذکایی، سعید، «رابطه ی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری»، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه ای، ۱۳۸۳.
- ۷ روستا، مجید، «توسعه اجتماع محور: ساز و کاری برای ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی»، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، شماره ۲۳-۲۴، ۱۳۸۷.
- ۸ شیراسب، راحله، «خدمات شهری در گرو جلب مشارکت مردمی»، ماهنامه ی شهرداری‌ها، شماره ۳، ۱۳۸۲.
- ۹ طرح راهبردی- ساختاری توسعه و عمران شهر تهران، سند اصلی مصوب طرح جامع شهر تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۰ کاظمیان، غلام رضا، «نظام اسکان در حاشیه جنوبی شهر تهران...»، مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، ۱۳۸۲.
- ۱۱ مصاحبه عمیق، سرای محله کیانشهر، کارشناس امور فرهنگی، سرکار خانم زندی، ۸۹/۹/۲۲.
- ۱۲ مصاحبه عمیق، سرای محله کیانشهر، کارشناس جلب مشارکت های مردمی، سرکار خانم نورزاد، ۸۸/۹/۲۴.
- ۱۳ مصاحبه عمیق، اهالی محله کیانشهر، ۸۸/۹/۱۹ و ۸۸/۹/۲۱.
- ۱۴ نصیری، معصومه، «بررسی نقش سازمان های غیردولتی در مشارکت اجتماعی ساکنان محلات شهری»، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه ای، ۱۳۸۳.
- ۱۵ نوریان، فرشاد، «برنامه مداخله مردم محله در برنامه ریزی و طراحی شهری با بکارگیری «T»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸، ۱۳۸۵.
16. Challenges and Opportunities (2007) , World Bank.
17. Hutching, K, (1999), Cosmopolitan Citizenship, McMillan.
18. UN- HABITAT (2003), The challenge of slums, Global Report on Human Settlements. UN- HABITAT (2008), The State of World
- ۱۹ ابراهیم‌زاده، عیسی و یوسف نصیری (بهار ۱۳۸۶) «شهرنشینی شتابان، روندها و پیامدها»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۲۳۷ و ۲۳۸.



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



- ۲۰ اعتماد، گیتی (۱۳۶۳)، شهرنشینی در ایران، تهران، آگاه.
- ۲۱ پوراحمد و همکاران (۱۳۸۲)، «بررسی جغرافیای جرایم در شهر تهران»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۴۴.
- ۲۲ تقوایی، مسعود و مصطفی محمدی ده چشمه (منتشر نشده)، «تحلیلی بر فرآیند جهانی شدن و تأثیر آن بر سکونتگاه‌های شهری»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی.
- ۲۳ تقوایی، مسعود، (۱۳۸۵)، درسنامه جغرافیای شهری، دوره کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.
- ۲۴ توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، مبانی جامعه‌شناسی شهری، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ۲۵ رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۱)، مجموعه مباحث شهرسازی (جلد جغرافیا)، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- (۱۳۸۶)، درسنامه نظریه‌های اجتماعی شهر، دوره دکتری، دانشگاه تهران
- ۲۶ زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران، سمت.
- ۲۷ شکوئی، حسین (۱۳۶۹)، جغرافیای اجتماعی شهر، تهران، جهاد دانشگاهی.
- ۲۸ شکوئی، حسین و سیدمهدی موسی کاظمی محمدی (۱۳۸۱)، «ارزیابی پایداری اجتماعی در شهر قم»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۴۳.
- ۲۹ شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲)، با شهر و منطقه در ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- ۳۰ صرافی، مظفر (۱۳۸۸)، «بنیادهای توسعه پایدار شهری، همایش توسعه و ضد توسعه فرهنگی - اجتماعی شهر تهران»، مجموعه مقالات شهرداری تهران.
- ۳۱ ضرابی، اصغر و همکاران (۱۳۸۴)، «تحلیل علل اقتصادی - اجتماعی حاشیه نشینی در اصفهان»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ش ۲۳.
- ۳۲ علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳)، «توسعه شهری در ایران و آسیب‌شناسی اجتماعی»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۴۸.
- ۳۳ فرید، یدالله (۱۳۶۸)، جغرافیا و شهرشناسی، تبریز دانشگاه تبریز.
- ۳۴ فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان‌شناسی شهری، تهران، نی.
- ۳۵ مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت.
- ۳۶ محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۴)، بررسی وندالیسم در تهران، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۳۷ محمدی ده چشمه، مصطفی و جمال محمدی (۱۳۸۵)، «ارزیابی پایداری شهری از منظر پارک‌ها در شهر اصفهان»، اصفهان، کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام.
- ۳۸ مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر (۱۳۸۱)، تحلیلی بر ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- ۳۹ موسوی، یعقوب (۱۳۸۱)، «پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلان‌شهرها»، پژوهش مدرس، ش ۴.
- ۴۰ مهدیزاده، جواد (۱۳۸۳)، «نظریات جامعه‌شناختی در مطالعات شهری»، مجله جستارهای شهرسازی، ش ۹.
- ۴۱ وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۲)، سند توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی.
- 42 Arizona. Cramptin, Mulligan (2005), Population Growth in the world's largest cities University.
- 43 Rosland, Mark (1997), Dimention of the Eco- city, v. 14.
- 44 Berkeley hill books. Register. R, (2002), Ecocities Building cities in Balance with Nature